

Criminological Study of the Institutions of Pardon, Postponement of Sentencing & Reduction of Punishment in the Islamic Penal Code	
Authors	
Baharak Shahed*	
Ali Aghapoor	
Organizational Affiliation	
Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.	
Department of Law, Islamic Azad University, Osku Branch, Osku, Iran	
Article Information	
Article Type	Research
Pages	11 - 24
Volume 1, Issue 2	
Corresponding Author's Info	
Corresponding Author's	Baharak Shahed
ORCID	0000 – 0002 – 3158 - 5537
Tell	09144193253
Email	baharak.shahed@gmail.com
Article History	
Received	2024/12/14
Revised	2024/12/23
Accepted	2024/12/27
Published Online	2025/01/01
Research Method	Descriptive Analytical
Keywords	<i>Leniency, Deferred Sentencing, Criminology, Acceleration Theory, Managerial Criminology</i>
Description	
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>	
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>	
How to Cite This Article	Shahed, Baharak; Aghapoor, Ali (2025), Criminological Study of the Institutions of Pardon, Postponement of Sentencing & Reduction of Punishment in the Islamic Penal Code, Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Islamic Law and Education, Volume 1, Issue 2, Pages 11 - 24

۱- مقدمه

در نظام‌های حقوقی معاصر، نقش آموزه‌های جرم‌شناسی در شکل‌دهی به سیاست‌های کیفری و تدوین قوانین مجازات به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. جرم‌شناسی به‌عنوان دانشی میان‌رشته‌ای که به مطالعه علل ارتکاب جرم، تأثیرات اجتماعی و روانی آن و راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن می‌پردازد، توانسته است تأثیری مستقیم بر نظام‌های کیفری و روش‌های اصلاح و تربیت مجرمان داشته باشد. یکی از جلوه‌های بارز این تأثیر، کاربرد آموزه‌های جرم‌شناسی در تعیین و تخفیف مجازات‌ها و اتخاذ رویکردهای جایگزین به مجازات حبس، از جمله نهادهای تخفیف مجازات و تعویق صدور حکم است. در قانون مجازات اسلامی ایران، نهادهای تخفیف مجازات و تعویق صدور حکم به‌عنوان ابزارهایی برای تعدیل شدت مجازات و فراهم کردن فرصت اصلاح برای مرتکبان جرم به رسمیت شناخته شده‌اند. این نهادها با تأثیرپذیری از رویکردهای نوین جرم‌شناسی، به دنبال آن هستند که با در نظر گرفتن شرایط فردی مجرم، ویژگی‌های اجتماعی و روان‌شناختی او، و توجه به اصول عدالت ترمیمی، از شدت مجازات‌ها کاسته و به بازپروری و اصلاح فرد کمک کنند. به این ترتیب، هدف از به‌کارگیری این نهادها، نه صرفاً تنبیه مجرم، بلکه فراهم کردن بستری برای پیشگیری از بازگشت به جرم و بازگرداندن فرد به جامعه است. در نظام حقوقی ایران، قانون مجازات اسلامی با پذیرش نهادهای تخفیف مجازات و تعویق صدور حکم، تلاش کرده است تا به آموزه‌های نوین جرم‌شناسی نزدیک‌تر شود. این نهادها امکان کاهش مجازات یا تأخیر در اجرای حکم را با توجه به وضعیت فردی و اجتماعی مجرم، میزان مسئولیت‌پذیری، پشیمانی، و تلاش برای اصلاح فرد فراهم می‌آورند. با این وجود، پرسشی که مطرح می‌شود این است که تا چه اندازه این نهادها و سازوکارهای قانونی آن‌ها در چارچوب قانون مجازات اسلامی با آموزه‌های جرم‌شناسی هم‌خوانی دارند و آیا این رویکردها توانسته‌اند به کاهش نرخ بازگشت به جرم و اصلاح مؤثر مجرمان کمک کنند؟ یکی از مهم‌ترین مسائل در این زمینه، این است که آیا رویکردهای جرم‌شناسی نوین، از جمله توجه به عوامل اجتماعی، روانی، و اقتصادی در ارتکاب جرم، در نظام قضایی ایران به‌درستی مورد توجه قرار گرفته است؟ آیا نهادهای تخفیف مجازات و تعویق صدور حکم توانسته‌اند به عنوان ابزاری کارآمد در اصلاح مجرمان و جلوگیری از بازگشت آن‌ها به چرخه جرم عمل کنند؟ و به چه میزان این نهادها در عمل به دست قضات مورد استفاده قرار می‌گیرند و با چه چالش‌هایی مواجه هستند؟ با توجه به این مباحث، مقاله حاضر به بررسی تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی بر نهادهای تخفیف مجازات و تعویق صدور حکم در قانون مجازات اسلامی ایران می‌پردازد. این مقاله در پی آن است که نشان دهد چگونه آموزه‌های جرم‌شناسی، به ویژه مفاهیم نظریه شتاب‌دهندگی (بزه دیده شناسی علمی)، جرم‌شناسی و کیفرشناسی مدیریتی در شکل‌گیری این نهادها و تصمیم‌گیری قضات نقش داشته و تا چه حد می‌توانند به بهبود نظام قضایی و کاهش تکرار جرم کمک کنند. بررسی این موضوع می‌تواند به ارائه درک بهتری از رویکردهای کیفری در ایران و تطابق آن‌ها با استانداردهای بین‌المللی کمک کند.

۲- مبانی نظری

آموزه‌های جرم‌شناسی در این پژوهش مبتنی بر نظریه‌ها و مکاتب جرم‌شناسی است. هدف از طرح نظریه و مکاتب جرم‌شناسی، بیان و مدل‌های علمی است که تحلیل داده‌های پژوهش مبتنی بر آن‌ها صورت می‌گیرد و به عنوان سنگ بنای پژوهش و معیار و محک ارزیابی آن در اختیار خواننده قرار می‌گیرد؛ از یک سو، قلمرو و دامنه پژوهش را محدود می‌سازد، و از سوی دیگر، چشم انداز پژوهشگر به موضوع و مسئله را نشان می‌دهد. افزون بر این، پژوهشگر می‌تواند نتایج پژوهش خود را در راستای نظریه‌ها و مکاتب

جرم‌شناسی مورد نقد و ارزیابی قرار دهد و درستی فرضیه خود را اثبات کند. در این راستا، پژوهش حاضر بر پایه چند نظریه و مکاتب مهم و تأثیرگذار جرم‌شناسی بر حقوق کیفری عمومی به شرح زیر ارائه می‌شود.

۲-۱- نظریه شتاب‌دهندگی (بزه دیده شناسی علمی)

نظریه شتاب‌دهندگی به طور غیرمستقیم به قصور زنان بزه‌دیده در فرآیند بزه‌دیدگی اشاره دارد. در دیدگاه نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیده یا نقش اثرگذار بزه‌دیده در ارتکاب جرم، میان بزه‌دیده و بزهکار تعامل یوبایی وجود دارد؛ بدین صورت که گاهی زنان با اطلاع از سایت‌های دوست‌یابی، اطلاعات خود را در اختیار بازدیدکنندگان قرار می‌دهند و یا این که در برخی شبکه‌های اجتماعی مانند تانگو، فیس‌بوک و یا تلگرام، عکس‌های خصوصی خود را قرار می‌دهند و برخی افراد نیز از این موقعیت استفاده کرده و با تحریف‌نگاری سایبری آن را به اشکال مختلف تبدیل کرده و موجبات سوءاستفاده جنسی و یا تهدید و ضررهای مالی و حیثیتی را برای زنان فراهم می‌کنند (شاهیده، ۱۴۰۱: ۴۵۹) در واقع مهم‌ترین نظریه‌ای که در رهیافت بزه‌دیده شناسانه بانوان و دختران می‌توان به آن استناد کرد نظریه نقش آفرینی بزه‌دیده است که بر اساس این نظریه، بزه‌دیده در فرآیند ارتکاب رفتار مجرمانه نقش دارد و به اعتبار این نقش بزه‌دیده مستحق سرزنش است از آنجا که شتاب‌دهندگی بزه‌دیده ممکن است مستقیم (کنش‌گرانه) یا غیر مستقیم کنش‌پذیرانه باشد؛ نقش شتاب‌دهنده مستقیم یا غیر مستقیم بزه‌دیده را باید در هر جرم به طور جداگانه در نظر گرفت برای نمونه در جرایم منافی عفت به نظر می‌رسد که نقش شتاب‌دهنده بزه‌دیده بر حسب مورد می‌تواند مستقیم یا غیر مستقیم باشد. با وجود این گذشته از نقش تحریک‌کننده یا شتاب‌دهنده بزه‌دیده در فرآیند ارتکاب جرم او شایسته بهره‌مندی از حق‌های مشخص و حمایت‌های ویژه‌ای است در خصوص این نظریه بزه‌های مختلفی مانند سرقت اسید پاشی و تجاوز را می‌توان تبیین کرد. به طور کلی با توجه به نقش شتاب‌دهندگی بانوانی که در حال مستی برای نمونه مورد تجاوز قرار گرفته بودند یا سوابق رفتارهای جنسی داشتند در بزه‌دیدگی خود مقصر شناخته می‌شدند و نقش مستقیم را ایفا می‌کردند علاوه بر این با این استدلال که می‌توانستند آن مرد را ترک کنند اما این کار را نکردند مسئول استمرار آن رفتارهای خشونت‌آمیز محسوب می‌شدند (وجدانی فخر، ۱۴۰۱: ۴۰) سیاست‌گذاران جنایی نقش و سهم بزه‌دیده در ارتکاب بزهکاری را از جهات تأثیرگذار بر نوع و میزان مجازات مرتکبان جرم به شمار آورده‌اند، در واقع نقش بزه‌دیده را به عنوان یکی از جهات تخفیف کیفر پیش‌بینی کرده‌اند (شاهیده، ۱۳۹۲: ۲۰۱) این شکل از تأثیرگذاری یافته‌های شاخه مذکور در قانون پاسخ‌دهی به بزهکار گام برداشته شود به این ترتیب نظریه شتاب‌دهندگی مبتنی بر آموزه‌های بزه‌دیده شناسی جرم‌شناسانه از سوی مقنن در قالب یکی از جهات تخفیف کیفر قرار گرفته است (نیاز پور، ۱۳۹۴: ۲۴۴) تا رفتار شتاب‌دهنده بزه‌دیده که در فرآیند ارتکاب جرم تأثیرگذار بوده است با پاسخ عدالت کیفری مواجه شود چه اینکه این دسته از بزه‌دیدگان نسبت به دیگر بزه‌دیدگان که اساساً در فرآیند ارتکاب سهم ندارند تفاوت داشته و بر این اساس شایسته سرزنش شدن یا حمایت تعدیل یافته نظام کیفری‌اند.

۲-۲- جرم‌شناسی و کیفرشناسی مدیریتی

«جرم‌شناسی مدیریتی»^۱ و «کیفرشناسی مدیریتی»^۲ دو شاخه مهم از علوم جنایی هستند که هر یک به نحوی بر مجازات‌ها و سیاست‌های کیفری تأثیر می‌گذارند. در زیر به بررسی تأثیر هر یک از این دو شاخه بر مجازات‌ها می‌پردازیم. هدف «جرم‌شناسی

1. Administrative Criminology

2. Administrative penology

مدیریتی» ارائه اطلاعات مفید و رهنمودهای کاربردی به سیستم عدالت کیفری است تا قادر به مدیریت و کنترل جرم شوند. ما همچنین باید خود را در موقعیتی قرار دهیم که کامل ترین اطلاعات ممکن را در مورد مجرمان مدنظر خود به دادگاه ارائه کنیم تا در همه موارد مناسب، آن‌ها بتوانند بر اساس تشخیص تخصصی هر فرد بر مبنای پیشینه و شخصیت مجرمان، درمان مناسب برای هر فرد را انتخاب کنند (کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۱۶۸) در جرم شناسی کاربردی مدیریت جمعیت کیفری را می‌توان بخشی از تکنیک‌های حقوق جنایی و سیاست جنایی و حتی چگونگی اصلاح و درمان یا بازپروری بزهکاران در جرم شناسی بالینی در مدل اروپایی فرانسوی این شاخه از جرم شناسی دانست. در مدل آنگلو آمریکن جرم شناسی کاربردی نیز این موضوع در چارچوب محورهایی چون زندان و سیاست کیفری، قابل بحث و تحلیل است. همچنین در گرایش‌ها و جریان‌های جرم شناسی معاصر، می‌توان از جرم شناسی و کیفرشناسی مدیریتی، به معنای مدیریت خطر فرصت‌های جرم‌زا، نام برد که مدیریت جمعیت کیفری می‌تواند یکی از محورهای مورد مطالعه در آن‌ها باشد (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱: ۱۳) جرم شناسی مدیریتی شکلی از جرم شناسی کاربردی در ارتباط با سیاست گذاری است که ماهیت رخداد مجرمانه و شرایط خاصی که جرم در آن رخ می‌دهد، تمرکز دارد و به دنبال کاهش فرصت‌های جرم را در راستای سنگین تر کردن هزینه‌ها و خطرهای جرم بر سود و نفع احتمالی آن است. از این رو، جرم شناسی مدیریتی، بزه کاران را به دلیل محاسبه گری در رفتارشان سرزنش پذیر می‌داند (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱: ۲۰۵) در مقابل، با تأکید بر کیفر حبس (زندان)، کیفر شناسی مدیریتی شاخه‌ای از کیفرشناسی در ارتباط با اداره یا مدیریت نهادهای کیفری (سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی) است (Heijder, 1967: 56) «مانوتل لویز سری»^۱ به عنوان نخستین کسی که به نظر می‌رسد اصطلاح «کیفرشناسی مدیریتی» را به کار برد، آن را همان کیفرشناسی کاربردی به معنای یک سیاست گذاری دولتی در پاسخ دهی به جرم و بزه کاران به ویژه بر پایه سیاست‌های اصلاح و بازپروری، تعریف می‌کند که بر سه گانه دست‌گیری یا بازداشت، امنیت و کنترل متمرکز است (Lopez, 1965: 21) از این رو، کیفرشناسی مدیریتی باید در راستای هدف اجرای قانون و دادگری و مدیریت دادگستری تعریف کرد که در این چارچوب می‌تواند مدیریت جمعیت کیفری با تأکید بر سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی را نیز در برداشته باشد (رایجیان اصلی، ۱۴۰۰: ۱۴) شکل نو از دادگری و دادگستری جنایی مفهوم‌هایی چون آمار و سنجش و ارزیابی استوار شدند، دادگری سنجشی تخمینی نامیده شد. دادگری سنجشی تخمینی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۸) هدف خود را تلاش برای پیش‌بینی آینده بزهکار و یا رفتار مجرمانه او از گذر سامانه دادگستری جنایی و به دنبال آن، اجرای سیاست‌هایی به منظور کاهش توانایی ارتکاب جرم در آینده قرار می‌دهد. (Feeley, 2004: 62) با بهبود مدیریت و کارآمدی زندان‌ها، کیفرشناسی مدیریتی به کاهش هزینه‌ها و افزایش اثر بخشی اجرای مجازات‌ها کمک می‌کند. این می‌تواند شامل بهبود شرایط زندانیان، کاهش ازدحام زندان‌ها و استفاده از تکنولوژی‌های نوین باشد. کیفرشناسی مدیریتی به توسعه و اجرای مجازات‌های جایگزین حبس و نظارت الکترونیکی می‌پردازد. این اقدامات می‌توانند فشار بر نظام زندان‌ها را کاهش دهند و در عین حال به اصلاح مجرمین کمک کنند. همچنین یکی از اهداف کیفرشناسی مدیریتی، بازپروری و اصلاح مجرمین است. این شامل برنامه‌های آموزشی، شغلی و درمانی برای زندانیان می‌شود که می‌تواند منجر به کاهش نرخ بازگشت به جرم و بازگشت به جامعه سالم‌تر شود. بنابراین تأثیر جرم‌شناسی و کیفرشناسی مدیریتی بر مجازات‌ها به شکل‌های مختلفی تجلی می‌یابد. جرم‌شناسی با شناخت عمیق‌تر از علل جرم و ارائه راهکارهای پیشگیرانه و کیفرشناسی مدیریتی با بهبود مدیریت نظام‌های کیفری و توسعه مجازات‌های جایگزین، هر دو به ارتقاء نظام عدالت

¹ . Manuel Lopez-Rey

کیفری کمک می‌کنند. این دو شاخه علمی در کنار هم می‌توانند به کاهش جرم و بهبود شرایط مجازات‌ها و بازپروری مجرمین منجر شوند.

۳- یافته‌های پژوهش

مطالعه پیشینه حقوق کیفری بیانگر آن است که قبل از احیای اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها از سوی مکتب کلاسیک، نوعی نابسامانی بر نوع و میزان مجازات‌ها، شیوه کیفردهی و نحوه اعمال آن حاکم بوده و میزان اقتدار هیأت حاکمه و سلیقه شخص حاکم و نمایندگان وی نقش غیر قابل انکاری در تعیین اقدامات سرکوب گرانه در قبال بزهکاران و نیز در چگونگی اجرای آن ایفا می‌کرده است با وجود این، به رغم جایگاه رفیع و نقش غیر قابل انکار اصل مزبور در حفظ حقوق فرد و جامعه این اصل پس از مطرح شدن به وسیله‌ی پایه گذاران مکتب کلاسیک، از سوی بنیان مکتب تحقیقی با این استدلال که ثابت و معین بودن واکنش‌ها از دادگاه‌ها سلب اختیار کرده و بر اساس آن فضات در کاربست مجازات‌ها با ملاحظه شخصیت بزهکاران قدرت تصمیم‌گیری خود را از دست خواهند داد با ایرادهایی مواجه گردید. در ارتباط با پیش بینی تخفیف مجازات‌ها و و تعویق صدور حکم در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، آموزه‌های جرم‌شناسی به عنوان مبنایی برای ایجاد و توسعه این نهادهای ارفاقی مورد استفاده قرار گرفته است که به بررسی و ارزیابی آن خواهیم پرداخت.

۳-۱- تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی بر شکل‌گیری تخفیف مجازات‌ها

ثمره اصرار طرفداران مکتب کلاسیک بر ثابت و معین بودن مجازات‌ها و نیز پافشاری طرفداران مکتب تحقیقی مبنی بر لزوم باز بودن دست قضات موجب گردید کیفرهای ثابت جای خود را به مجازات‌های مقرر میان حداقل و حداکثر داده و کیفردهی میان حداقل و حداکثرها در اختیار قضات قرار گیرد. نظر به این که مجازات‌های قانونی با التزام به اقتضائات عدالت کیفری، غالباً بر اساس شدت و ضعف جرم مقرر می‌شوند و با عنایت به این واقعیت که دادگاه‌ها به صورت مستقیم با بزهکاران مواجه بوده و علاوه بر رفتار مجرمانه از شخصیت بزهکار، انگیزه و سوابق وی و اوضاع و احوال ارتکاب جرم نیز آگاهی می‌یابند قانونگذار بر اساس ملاحظات واقع بینانه و حکیمانه این اختیار را به قضات تفویض نموده که در راستای شخصی کردن اعمال واکنش‌های مقرر قانونی، علاوه بر جرم، مجرم را نیز مورد توجه قرار داده و در صورت اقتضای شرایط میزان مجازات را از حداقل قانونی کاهش دهند که در حقوق کیفری از این نهاد ارفاقی به عنوان «تخفیف قضایی مجازات‌ها»^۱ تعبیر می‌شود (توجهی، ۱۴۰۲: ۵۸) با وجود این، به منظور جلوگیری از هرگونه سوء استفاده احتمالی از قدرت قانونی مزبور در کلیه‌ی ادوار تقنینی سیاست‌مکن بر این بوده و هست که شرایط، جهات و ضوابط ناظر بر اعمال نهاد یاد شده را در قانون پیش بینی کند. یکی از راهکارهای مهمی که برای انتخاب مجازات مناسب در دادرسی کیفری قرار دارد راهکار تخفیف مجازات است بر پایه این راهکار دادرسی کیفری می‌تواند و باید در جایی که بزهکار وضعیت مناسبی از خود نشان می‌دهد و یا شرایط ارفاق آمیز دیگری در بین باشد مجازات سبک تری درباره او تعیین نماید. گروه اندکی از صاحب نظران چنین می‌پندارند که تخفیف مجازات موجب تزلزل حقوق کیفری و حتمیت مجازات می‌شود و همین‌طور بر آثار سوء زندان کوتاه مدت تأکید دارند که ممکن است در نتیجه تخفیف مجازات نصیب بزهکار شود ولی عموم حقوق دانان، «اعمال کیفیات مخففه» (فوکو، ۱۳۹۴: ۲۴۶) را یک راهکار مفید و در راستای اصل فردی کردن مجازات می‌دانند و امروزه در بیشتر نظام‌های حقوقی به عنوان یک

¹. Mitigating Factor

قاعده عام حقوق کیفری به شمار می‌آید این راهکار همانند بسیاری از راهکارهای ارفاقی دیگر در راستای کمینه سازی حقوق کیفری توجیه پذیر و منطقی به شمار می‌آید (منصور آبادی، ۱۳۹۹: ۱۶۰). برای آن که عدالت جزایی با توجه به خصوصیات و اوضاع و احوال هر جرم صورت گیرد و «فردی کردن مجازات‌ها» تحقق یابد لازم است قاضی دادگاه بتواند در موارد مقتضی، در مجازات مرتکبین جرم تخفیف قائل شود (صانعی، ۱۳۸۲: ۷۴۷) بنابراین مهم‌ترین فوایدی که برای «کیفیات مخففه» برشمرده اند، (آقای جنت مکان، ۱۳۹۷: ۲۶۳) یکی منطبق کردن مجازات با شخصیت بزهکار و دیگری اجرای عدالت با عنایت به افکار عمومی است. کیفیات مخففه به قاضی اجازه می‌دهد تا با توجه به روحیات و سوابق و هم چنین انگیزه‌ی بزهکار در ارتکاب جرم، تصمیم خود را هر چه بهتر با وضع فعلی او متناسب سازد (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۴۴).

۳-۱-۱- تخفیف مجازات مبتنی بر تحریک بزهکار

قانونگذار به صورت آگاهانه و با تأثیرپذیری از آموزه‌های بزه دیده شناسی علمی در «بند پ» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به جای واژه مجنی علیه مندرج در بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، از عبارت بزه دیده استفاده کرده است، بدین ترتیب قلمرو اعمال مقررات مربوط به تخفیف مجازات در موارد تحریک را توسعه داده است. (رستمی تبریزی و اکبری، ۱۳۹۳: ۹۳) در زمینه تحریک بزهکار از سوی بزه دیده، از سه جهت قابل ارزیابی است، نخست از نظرگاه حقوق جنایی، رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه دیده یکی از کیفیات تخفیف دهنده کیفر شناخته شده است. دوم، از دیدگاه جرم شناسی تحریک بزهکار از سوی بزه دیده یکی از شرایط یا اوضاع و احوالی است که پیش از رخداد جرم، فرآیند گذار قصد به رفتار مجرمانه را آسان می‌کند (شرایط پیش جنایی) و سوم از منظر بزه دیده شناسی، تحریک بزهکار از سوی بزه دیده، نمایانگر نقشی است که بزه دیده می‌تواند در رخداد جرم داشته باشد و یادآور نظریه شتاب دهنده بزه دیده است که بر پایه مفهوم سرزنش پذیری بزه دیده در نظریه‌های علوم جنایی (جرم شناسی و بزه دیده شناسی) تبیین می‌شود (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۷۷) بنابراین بند «پ» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با بیان عبارت «... رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده...» به تأثیر نظریه شتاب‌دهندگی در جهت تخفیف مجازات تصریح دارد. بدین سان اگر نویسندگان قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، با اقتباس از قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲، «به طور ناآگاهانه» (شیری، ۱۳۹۸: ۱۹۵) یافته‌های بزه دیده شناسی را در بستر مقررهای جنایی پذیرفته بودند نویسندگان قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با به کار بردن واژه «بزه دیده» به جای «مجنی علیه» به طور آگاهانه بر پیوند یافته‌های جرم شناختی؛ بزه دیده شناختی با آموزه‌های حقوق کیفری عمومی مهر تأیید زده اند، پذیرفتن این واقعیت، از این تحول در حقوق کیفری معاصر حکایت می‌کند که افزون بر ضرورت احراز مسؤولیت جنایی بزهکار برای تحمیل کیفر بر او سرزنش پذیری یا تقصیر بزه دیده می‌تواند در کاهش پیامدهای مسؤولیت بزهکار نقش داشته باشد به سخن دیگر، دادگری جنایی ممکن است در برخی موارد به جای حمایت از بزه دیده یا پیش از آن به حمایت از مرتکبی برخیزد که اگر بزه دیده او را تحریک نمی‌کرد چه بسا که جرمی مرتکب نمی‌شد، این سیاست از یکسو می‌تواند به پیشگیری از جرم و بزه دیدگی به منزله غایت راهبردی سامانه دادگستری جنایی کمک کند زیرا بزه دیده در می‌یابد که چنانچه بزه دیدگی پیامد تحریک بزهکار از سوی او باشد از حمایت کیفری کامل بی بهره خواهد ماند و از این رو بیشتر احتیاط خواهد کرد تا بزه دیده نشود (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۷۷) از سوی دیگر، این سیاست می‌تواند در هم ترازوی حق‌های بزه دیده و بزهکار به منزله هدف راهبردی سامانه دادگستری جنایی، نیز مؤثر باشد (کوشا و پاک نیت، ۱۳۹۶: ۲۹) نکته قابل نقد این است که قانونگذار برای رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه دیده و تقصیر وی هیچ ضابطه و معیاری مشخص نکرده

است، این امر ممکن است به تفسیرهای متفاوت از قانون و صدور احکام متعارض منجر گردد. به عبارت دیگر برخی دادگاه‌ها براساس ملاحظات جرم شناختی و بزه دیده شناختی هر نوع اعمال و رفتار تحریک آمیز بزه دیده، برای مثال قدم زدن تنهای زنی در تاریکی شب و در یک خیابان خلوت را رفتاری تحریک آمیز تلقی کنند در حالی که قضات دیگر ملاحظات حقوقی را مدنظر قرار داده و تحقق رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه دیده را مشروط به احراز تقصیر در معنای حقوقی وی بنمایند.

۳-۱-۱- تخفیف مجازات مبتنی بر حمایت از بزه دیده

نظر به مبانی متقن و استوار لزوم حمایت از بزه دیدگان و با توجه به ابعاد ارزشی این موضوع و جایگاه خطیر آن در آموزه‌های دینی و نیز نقش غیر قابل انکار ارتقا و بهبود وضعیت آنان در پیشگیری از بزه دیدگی‌های مکرر و با عنایت به توصیه‌های مقرر در بیانیه‌ها و اسناد بین‌المللی مبنی بر حمایت از این دسته از افراد مقنن در این قانون تلاش کرده است تا در راستای حمایت بیشتر از بزه دیدگان و اعطای نقش قابل توجه به آنان در اعمال برخی از نهادها از جمله تخفیف مجازات‌ها اقدام کند. در رویکرد بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، بزه دیده نه به عنوان عنصری مؤثر در ارتکاب جرم، بلکه صرفاً به عنوان شهروندی که حقوق او در راستای ارتکاب جرم تضییع شده و نیاز بسیار به حمایت جامعه در رفع خواسته‌ها و ترمیم خسارات وارده بر خود دارد، تلقی می‌شود. بزه دیده شناس برآمده از این رهیافت به جای آن که پژوهشگری باشد در جستجوی علل بزه دیدگی، مبارزی است برای بازگرداندن حقوق از دست رفته بزه دیده، همین امر کافی است تا جنبش علمی بزه دیده‌شناسی منحرف شود و به جنبشی مبارزاتی تبدیل شود. بدین ترتیب هدف از مطالعات بزه دیده‌شناسی نیز تغییر کرده است و از علت‌شناسی به تلاش در جهت بهبود اوضاع و احوال بزه دیده و امداد رسانی به آن‌ها رسیده است (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۲۰). با این اوصاف بند «ج» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با بیان عبارت «...کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن...» به تأثیر نظریه بزه دیده‌شناسی حمایتی در راستای حمایت از بزه دیده و احقاق حق بزه دیده تصریح دارد. بنابراین بزه‌دیده یکی از اصلی‌ترین کنشگران دعوای کیفری است که می‌تواند نقش مؤثری در چگونگی پاسخ‌دهی به بزهکاری ایفاء کند. این تأثیرگذاری امروزه از سوی شماری از سیاست‌گذاران جنایی به رسمیت شناخته شده است؛ چنان که نظر بزه‌دیده در فرآیند پاسخ‌دهی و تعیین سرنوشت برخی از دعوای کیفری در شمار شرایط بنیادی قرار گرفته است (نیازپور، ۱۳۹۱: ۳۴۷). با این وصف رویکرد حمایتی از بزه دیده یا همان بزه دیده‌شناسی حمایتی (بزه دیده‌شناسی ثانویه) نیز اغلب نظام‌های کیفری را متحول کرده و زمینه‌ساز پیش‌بینی مقررات حمایتی از بزه دیدگان را مهیا ساخته است.

۳-۱-۱- تخفیف مجازات مبتنی بر حمایت از بزه دیده

مطالعات جرم‌شناسی از اوایل قرن بیستم به طور گسترده بحث کرده‌اند که رفتار مجرمانه آنقدر پیچیده است که نمی‌توان آن را به صرف اراده فرد تقلیل داد و باید برخی عوامل فرا فردی نیز در نظر گرفته شوند. (Baker, 2011: 60) مطالعات جرم‌شناسی جدید و در حال ظهور، به بررسی توضیحات مختلف جرم از رویکردهای بیولوژیکی تا رویکردهای فمینیستی می‌پردازند. به نظر می‌رسد تئوری‌های اخیر نیز به سمت یکپارچه‌سازی نظریات مستقل متمایل هستند. نظریات کلاسیک توضیح‌دهنده جرم بر این پایه بودند که افراد موجوداتی عقلانی هستند و در نتیجه آزادی ارتکاب جرم را نیز دارند. چشم‌اندازهای نظری که جرم‌شناسی در طول زمان برای توضیح جرم توسعه داده است، مبانی مهمی را برای توضیح جرائم سایبری نیز فراهم می‌کند. نظریه فشار بر این باور است

که عدم دسترسی قانونی افراد به چیزهایی که تلاش می‌کنند به آن دست یابند، فشار و تنش ایجاد می‌کند و این فرایند افراد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد. نظریه یادگیری نیز استدلال می‌کند که افراد جرم را بعداً از طریق مشاهده افراد اطراف خود و رسانه‌ها می‌آموزند. وجه مشترک این دو نظریه، بررسی دلایل ارتکاب جرم توسط افراد است. در مقابل، نظریه‌های کنترل اجتماعی استدلال می‌کنند که همه افراد مرتکب جرم نمی‌شوند و فاعلان جرم نسبت به افرادی که مرتکب جرم نمی‌شوند کمتر هستند، بنابراین در مبارزه با جرم، منطقی است که افراد قانونی را بررسی کرده و عوامل جلوگیری از ارتکاب جرم توسط آنها را شناسایی کرد. (Altuntop, 2012:1)

۲-۲- تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی بر شکل‌گیری تعویق صدور حکم

در طول تاریخ حقوق کیفری ایران، برای فردی کردن مجازات، نهادهای مختلفی از جمله تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات، اعمال تخفیف، تبدیل مجازات و آزادی مشروط وجود داشته است. در حال حاضر نیز تاسیس دیگری با توصیه‌ها و اندیشه‌های جرم‌شناسی هماهنگ و همسو می‌باشد با نام «تعویق صدور حکم» در فضای تقنینی مطرح شده است که می‌توان آن را جدیدترین ابزار برای برخورد متناسب فردی با هر شخص خطاکار کیفری دانست. در حقوق کیفری ایران این تاسیس فاقد پیشینه تقنینی است و تدوین کنندگان ق.م.ا ۱۳۹۲ به منظور برخورداری هر چه بیشتر نظام کیفری ایران از نهادهای فردی کردن، تعویق صدور حکم در جرایم مستوجب تعزیر، را برقرار کرده‌اند. تعویق صدور حکم تأسیس جدیدی است که برای نخستین بار سند بین‌المللی قواعد جایگزین حبس توکیو ۱۹۹۰ چنین سیاستی را پیش‌بینی کرده بود. این تأسیس حقوقی در راستای اصل فردی کردن مجازات‌ها می‌باشد که مبتنی بر نظریه جرم‌شناسی برچسب زنی است و در حقیقت راهی برای مقابله با آثار زیان‌بار برچسب مجرمیت به افراد می‌باشد. تعویق صدور حکم نهادی است که در راستای سیاست جنایی مبتنی بر نرمش و حمایت بیشتر از مجرمان غیرخطرناک تأسیس شده است. نهاد مزبور ابزاری ارفاقی است که دادگاه با استفاده مناسب از آن می‌تواند موجبات اصلاح بزهکار را فراهم آورد (احمد زاده و تام، ۱۴۰۲: ۳۰۱). تعویق صدور حکم با عدول از اصل لزوم صدور حکم پس از بررسی پرونده این اختیار را به قضات می‌دهد تا در مرحله دادرسی با اتخاذ رویکردی مصلحت‌سنجانه در ارتباط با مجرمین غیرخطرناک این نهاد را درباره آن‌ها اعمال کند؛ زیرا هدف از این شیوه رسیدگی که بیشتر جنبه افقی به خود می‌گیرد تا جنبه عمودی و تحمیلی، ترمیم آثار جرم و رعایت مصلحت بزهکار است، تا به کیفر رساندن آن‌ها (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۲۶). نظام تعویق صدور حکم ریشه در حقوق انگلستان دارد و قضات انگلیسی در زمان‌های دور چنان‌چه در صحت ادله تردید داشتند یا شرایط خاصی اقتضا می‌کرد، صدور حکم را به تأخیر می‌انداختند تا درخواست عفو از پادشاه صورت گیرد و این نظام به مرور تبدیل به نظام تعلیق مجازات و تعویق صدور حکم شد همان‌گونه که نظام‌هایی هم چون آزادی مشروط به وجود آمد (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۳۰). جهات تعویق در نظام کیفر کشور ما منحصر است به تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط. اما میان تعویق صدور حکم و تعویق مجازات باید تمایز قائل شد زیرا تعویق مجازات عنوان عامی است که شامل تعلیق و آزادی مشروط نیز می‌باشد، در حالی که تعویق صدور حکم نهادی جدید در حقوق کیفری ایران می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۰۴). قانونگذار نیز در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ وفق بند پ ماده ۴۰ (جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران) صراحتاً رویکرد خودش را نسبت به روش‌های ترمیمی و جبرانی نشان داده است. تعویق صدور حکم دارای مبانی ترمیمی و سازشی است که در پرتو آن مقام قضایی و بزهکار نسبت به چگونگی تعیین سرنوشت دعوای کیفری که در

حقیقت در پایان فرآیند کیفری است تصمیم‌گیری می‌کند که در صورت بی‌اعتنایی بزهکار به تعهدی خود مقام قضایی مجدداً رسیدگی و صدور حکم را به جریان می‌دارد.

۳-۲-۱- جرم‌شناسی‌های نوگرا و تعویق صدور حکم

تعویق صدور حکم از دستاوردهای جرم‌شناسی‌های نوگرا، معروف به کنش متقابل اجتماعی است. جرم‌شناسی کنش‌های متقابل به مطالعه فرآیند شکل‌گیری هویت اجتماعی بزهکار می‌پردازد و بر آن است که این فرآیند زمینه ایجاد پدیده بر چسب زنی می‌شود. نظریه پردازان بر چسب زنی معتقدند که بزهکاری و به طور کلی کژروی در کیفیت یک رفتار نیست، بلکه پیامد اجرای مقررات و ضمانت‌های اجرایی است که گروه اجتماعی متشکل از افراد و نهادها در ساخت و پرداخت آن دست دارند (نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، ۱۴۰۱: ۱۷۵). این روش با تأکید بر آموزه‌های جرم‌شناسانه دارای اهمیت است؛ زیرا اعطای فرصت دوباره به این دسته از بزهکاران و جلوگیری از محکومیت ایشان به ضمانت‌های اجرایی سنتی عدالت کیفری مانع از برچسب زنی مجرمانه به آنان می‌گردد. بدیهی است مادامی که حکم محکومیتی برای شخص صادر نگردد، عنوان رسمی یک مجرم نیز به وی تعلق نخواهد گرفت. در نتیجه ذهنیت خود شخص و اطرافیان او نسبت به وی به ویژه در مورد اطفال و نوجوانان، ذهنیت یک مجرم نمی‌باشد. (حسینی، ۱۳۹۸: ۱۶۳) اینان در واقع با قضاوت‌های منفی درباره‌ی رفتار انسان‌ها؛ سبب می‌شوند که انتخاب رفتار و کردار قانونی برای آنان ناممکن گردد. هنگامی که کسی از نگاه دیگران به صورت خاصی توصیف می‌شود، در نتیجه فشار اجتماعی رفته رفته به تغییر درک و دریافت از خود دست می‌زند تا با این توصیف انطباق پیدا کند. در نتیجه، با پذیرش انگ بزهکار بار دیگر به سمت رفتارهای ناپه‌نجا سوق داده می‌شود. این گرایش که در سازوکار دستگاه قضایی با صدور حکم محکومیت به پایان می‌رسد تصویر دیگری از بزهکار ترسیم می‌کند که بازگشت او را به حالت عادی دشوار می‌سازد. از این رو، با تعویق صدور حکم و امتناع از اعلام مجرمیت به بزهکار فرصت دیگری داده می‌شود که تصویر آشفته خود را اصلاح کند و ثابت نماید که قضاوت دیگران درباره او درست نبوده است. (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۰۶) در ارتباط با مبانی نهاد تعویق صدور حکم و اهداف مورد نظر قانونگذار از پیش‌بینی آن، نظریات متعددی مطرح گردیده است. برخی از استادان نهاد تعویق صدور حکم را گامی در جهت سیاست تفرید مجازات‌ها دانسته و بر این باورند که دادگاه این اختیار را دارد که با ملاحظه وضعیت فردی و اجتماعی مرتکب و نیز اوضاع و احوال ناظر بر جرم رعایت اصل شخصی کردن با اعمال این نهاد در تعیین کیفر برای مجرم شتاب نکند. همچنین استفاده از چنین نهادی افزون بر کاهش هزینه‌های اقتصادی مانع تحمیل هزینه‌های سیاسی بر دولت‌ها نیز می‌گردد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بر اساس این مبنا، لزوم واقع‌بینی کنشگران جنایی و ضرورت ملاحظه مصالح جامعه و منافع زیربنای نهاد تعویق را تشکیل می‌دهد. هر چند قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از تعویق صدور حکم محکومیت، تعریفی ارائه نکرده است اما می‌توان تعویق صدور حکم را بدین شکل تعریف نمود: «صادر نکردن حکم محکومیت کیفری متهمی که قاضی رسیدگی‌کننده؛ ارتکاب جرم توسط او را مسلم دانسته است، به منظور تطبیق هر چه بیشتر واکنش رسمی کیفری با ویژگی‌های منحصر به فرد هر شخص مرتکب جرم، در صورت وجود شرایط مقرر در قانون برای اعمال این نهاد»، (قیاسی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹) بنابراین در تعویق صدور حکم تمام مراحل رسیدگی کیفری طی می‌شود اما در جهت جلوگیری از ایجاد سابقه کیفری و فردی کردن مجازات، قاضی پرونده صدور حکم را به تعویق می‌اندازد (شمس‌ناتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۶) با بررسی قواعد مربوط مفاد تعویق صدور حکم، مشخص می‌شود که این تاسیس، از این جهت که مانع اجرای مجازات بر مرتکب جرم می‌گردد، دارای نقطه مشترک با نهاد دیگر فردی کردن مجازات‌ها، یعنی تعلیق اجرای

مجازات، است. با این حال، این دو نهاد هم در زمان به کار گرفته شدن در یک رسیدگی کیفری، و هم در شرایط مورد استفاده قرار گرفتن، با همدیگر تفاوت دارند. در واقع نهاد تعویق صدور حکم در میانه تعلیق تعقیب و تعلیق اجرای مجازات در فرایند رسیدگی کیفری واقع شده است.

۲-۲-۲- جرم شناسی مدیریت خطر و تعویق صدور حکم

نظریه مدیریت ریسک جرم یکی از نظریات جرم شناسی می باشد که در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی به دنبال شکست برنامه های اصلاحی و درمانی مکتب دفاع اجتماعی نوین، عوام گرایی کیفری، ایدئولوژی هایی مانند جنگ با جرم و تفکرات امنیت گرا شکل گرفته است. در واقع این نظریه با شناسایی مجرمان بالقوه که دارای استعداد جنایی بالایی در ارتکاب جرم هستند از طریق درجه بندی بزهکاران بر اساس میزان خطری که از جانب آن ها جامعه را تهدید می کند و همچنین شناسایی مکان هایی که احتمال ارتکاب جرم بالاست با استفاده از دو ابزار کیفر و پیشگیری وضعی به کنترل بزهکاری در جامعه پرداخته و سعی دارد خطر ارتکاب جرم را مدیریت نماید. می توان به نظام تعویق صدور حکم از دیدگاه «جرم شناسی مدیریت خطر» نیز نگریست. از این منظر زندان برخلاف اندیشه اصلاح و بازپروری تبدیل به «زباله دان اجتماعی» یا محلی برای انباشت توده های مجرمین پرریسکی می شود که ضایعات انسانی و تفاله های به جا مانده از تحولات اجتماعی محسوب می شود، (پاک نهاد، ۱۳۹۴: ۲۲). بر این اساس شایسته و بلکه ضروری است که «گورستان زندگان»، تنها به مرده دلان خطرناکی اختصاص یابد که با ارتکاب جرایم سنگین و شدید نظم عمومی را چنان مخدوش می سازند که چاره ای جز سلب آزادی آنان وجود ندارد (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۲۳) با این رویکرد محکومی که جرم سنگینی را انجام نداده و به عبارتی دارای حالت خطرناک نیست، با اعزام به زندان ممکن است در محیط زندان آسیب ببیند و انگ مجرمانه نیز آینده وی را تحت شعاع قرار دهد. لیکن با تعویق صدور حکم کیفری، بزهکار تحت نظارت و مدیریت مقام قضایی قرار می گیرد و می توان از این طریق مدیریت مناسبی بر وی اعمال کرد و منجر به گرفتن فرصت های تکرار جرم از آنان (توان گیری) خواهد شد. همچنین در بند «ب» و «ت» ماده ۴۰ مبتنی بر «پیش بینی اصلاح مرتکب» و «فقدان سابقه کیفری مؤثر» است. در واقع قانون گذار با پیش بینی این شرط خواسته است مقام قضایی گذشته، حال و آینده متهم را مورد شناسایی و ارزیابی قرار و بر پایه آن نسبت به رویکرد ارفاق آمیز به وی تصمیم بگیرد. در واقع، قانون گذار بر اساس یافته های جرم شناختی بین مجرمان ناکرده بزه با مجرمان تکرار کننده بزه تفاوت قائل شده است. شرط نداشتن سابقه محکومیت کیفری مؤثر و اصلاح پذیر بودن محکوم مکمل یکدیگرند و فرصت شناسایی واقعی شخصیت مجرمان را برای مقام قضایی فراهم می سازد. به طور کلی وجود نهاد تعویق صدور حکم مورد تأیید علم جرم شناسی بوده و می تواند موجبات جلوگیری از اجرای بسیاری از تصمیمات قضایی و حتی مجازات هایی را فراهم آورد که رخداد و عینیت یافتن آن ها نتیجه و بیان مثبتی را رقم نمی زنند. در این نهاد بزهکار با نوعی اخطار مواجه است و لذا سعی خواهد کرد کماکان موجبات خوش بینی دستگاه قضایی را نسبت به خود حفظ نماید. بنابراین در ذات این نهاد می توان از عناصر پیشگیرنده و بازدارنده هم سراغ گرفت که تقویت آن ها به مراتب بهتر از اجرای نظام مجازات ها دانست.

۴- نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می دهد که آموزه های جرم شناسی به طور مستقیم بر نهادهای تخفیف مجازات و تعویق صدور حکم در قانون مجازات اسلامی ایران تأثیر گذاشته اند و منجر به شکل گیری سیاست های کیفری نوینی در این زمینه شده اند. این تأثیرات در چهار

محور اصلی مورد بررسی قرار گرفت. تخفیف مجازات مبتنی بر تحریک بزهکار: یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزه‌های جرم‌شناسی با توجه به شرایط روانی و اجتماعی بزهکار، به‌ویژه تحریکات بیرونی که منجر به ارتکاب جرم شده‌اند، رویکردی انعطاف‌پذیر و انسانی را در نظام کیفری ایران نهادینه کرده‌اند. این آموزه‌ها باعث شده‌اند تا قانون‌گذار و قضات بتوانند در موارد خاص، با در نظر گرفتن شرایط فردی و روانی بزهکار، از شدت مجازات بکاهند و بر اصلاح و بازپروری فرد تأکید کنند. تخفیف مجازات مبتنی بر حمایت از بزه‌دیده: تأکید جرم‌شناسی‌های نوین بر جبران خسارت بزه‌دیده و تحقق عدالت ترمیمی، سبب شده است که در قانون مجازات اسلامی ایران نیز در مواردی که بزهکار تلاش کرده است خسارت‌های وارده به بزه‌دیده را جبران کند، امکان تخفیف مجازات فراهم شود. این رویکرد بر ایجاد تعادل بین حقوق بزه‌دیده و اصلاح بزهکار متمرکز است و به تقویت مصالحه و بازسازی روابط اجتماعی کمک می‌کند. جرم‌شناسی‌های نوگرا و تعویق صدور حکم و آموزه‌های نوین جرم‌شناسی، که بر پیشگیری و بازپروری مجرمین تأکید دارند، نقش مهمی در توسعه نهاد تعویق صدور حکم در قانون مجازات اسلامی ایفا کرده‌اند. این نهاد به قضات اجازه می‌دهد که به جای اجرای فوری مجازات، فرصتی به بزهکار برای اصلاح و جبران داده شود. این رویکرد با هدف اصلاح مجرمین و کاهش احتمال بازگشت آن‌ها به جرم طراحی شده است و از مهم‌ترین دستاوردهای جرم‌شناسی نوگرا به شمار می‌آید. جرم‌شناسی مدیریت خطر و تعویق صدور حکم: جرم‌شناسی مدیریت خطر، که به ارزیابی و کاهش خطر ارتکاب مجدد جرم می‌پردازد، نیز تأثیر عمیقی بر نهاد تعویق صدور حکم داشته است. بر اساس این رویکرد، مجرمین به‌طور مستمر تحت نظارت قرار می‌گیرند و بر اساس ارزیابی ریسک آن‌ها، امکان تعویق صدور حکم فراهم می‌شود. این امر باعث شده است که با مدیریت دقیق خطر، ضمن جلوگیری از اجرای فوری مجازات، به کاهش خطر بازگشت به جرم و ارتقای امنیت اجتماعی کمک شود. بررسی تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی بر نهادهای تخفیف مجازات‌ها و تعویق صدور حکم در قانون مجازات اسلامی ایران نشان می‌دهد که این نهادها با رویکردی به‌روز و انسان‌محور، به سمت رویکردهای اصلاحی و بازپروری مجرمین گام برداشته‌اند. قانون‌گذار ایرانی با پذیرش این نهادها، تلاش کرده است تا از ابزارهای جایگزین مجازات‌های سنگین و سنتی برای اصلاح مجرمین و بازگشت آن‌ها به جامعه استفاده کند. این تغییرات منعکس‌کننده آگاهی از تأثیرات روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی جرم بر افراد و تأکید بر اصلاح مجرم به‌جای تمرکز صرف بر تنبیه است.

www.nric.ir

منابع

۱. آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۹۷)، «حقوق کیفری عمومی (بزهکار و مسئولیت کیفری)»، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات جنگل
۲. احمد زاده، رسول؛ تام، مجتبی (۱۴۰۲)، «آیین کیفر دهی»، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، «حقوق جزای عمومی»، جلد سوم، چاپ یازدهم، تهران: بنیاد حقوقی میزان
۴. پاک نهاد، امیر (۱۳۹۴)، «سیاست جنایی ریسک مدار»، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان
۵. توجیهی، عبدالعلی (۱۴۰۲)، «نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی»، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه
۶. شاهیده، فرهاد (۱۴۰۱)، «بزه‌دیدگی سایبری زنان»، دانشنامه رفتار سایبری، به کوشش باقر شاملو. چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان

۷. شاهیده، فرهاد (۱۳۹۲)، «بزه دیده شناسی (نقش بزه دیده در ارتکاب جرم و تعیین کیفر)»، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی
۸. شمس ناتری محمد ابراهیم (۱۳۹۲)، «قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی»، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان
۹. شیرینی، عباس (۱۳۹۸)، «تاریخ تحولات واژه شناختی و علمی بزه دیده شناسی در ایران در دایره المعارف علوم جنایی»، کتاب چهارم، علوم جنایی تجربی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان
۱۰. حسینی، انسیه (۱۳۹۸)، «عدالت کیفری رشد مدار»، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان
۱۱. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۴۰۱)، «درآمدی بر جرم شناسی»، چاپ چهارم، ویراست سوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و دانشگاهی (سمت)
۱۲. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۴۰۱)، «مدیریت جمعیت کیفری در پرتو علوم جنایی چند رشته‌ای»، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان
۱۳. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸)، «بزه دیده شناسی»، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات شهردانش
۱۴. رستمی تبریزی، لعیا؛ اکبری، سید صادق (۱۳۹۳)، «نفوذ آموزه های بزه دیده شناسی در بخش کلیات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، دو فصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، دوره ۳، شماره ۱
۱۵. زراعت، عباس (۱۳۹۴)، «شرح مسبوط قانونی مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، کلیات (جلد دوم)، چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه: جنگل
۱۶. صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، «حقوق جزای عمومی»، تهران: انتشارات طرح نو
۱۷. طهماسبی، جواد (۱۳۹۶)، «آیین دادرسی کیفری»، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان
۱۸. فوکو، میشل (۱۳۹۴)، «بررسی یک پرونده عمومی قتل»، ترجمه مرتضی کلانتریان، چاپ چهارم، تهران: نشر آگه
۱۹. قادری، محمد؛ رایجیان اصلی، مهرداد؛ شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۹۶)، «سازوکارهای مناسب جهت توازن بخشی بین حقوق بزه دیده و متهم و جلوه بخشی به مفهوم دادرسی عادلانه»، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، دوره ۱۵، شماره ۴۸
۲۰. قیاسی، جلال الدین (۱۳۹۱)، «بررسی تعویق صدور حکم در لایحه مجازات اسلامی»، مجله حقوق جزا و جرم شناسی؛ دوره ۱، شماره ۱
۲۱. کرامتی معز، هادی (۱۴۰۳)، «جرم شناسی (طرح مباحث نوین در دانش جرم شناسی)»، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار
۲۲. کوشا، جعفر؛ پاک نیت، مصطفی (۱۳۹۶)، «توازن میان حقوق متهم و بزه دیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین المللی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۱، شماره ۹۷
۲۳. منصورآبادی، عباس (۱۳۹۹)، «حقوق جزای عمومی ۳»، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان
۲۴. وجدانی فخر، مهدیه (۱۴۰۱)، «بزه دیده شناسی آبی»، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد
۲۵. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۴۰۱)، «دانشنامه جرم شناسی»، چاپ ششم، تهران: انتشارات گنج دانش
۲۶. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۲)، «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، فصلنامه الهیات و حقوق دانشگاه رضوی (آموزه‌های حقوقی)، شماره های ۳ و ۴

۲۷. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۴)، «حقوقی سازی یافته های جرم شناسانه در کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، تحقیقات حقوقی، دوره ۱۸، شماره ۷۲
۲۸. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۱)، «نقش بزه دیده در چگونگی پاسخ دهی به بزه کاران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۷
29. Feeley, Malcolm M (2004), "*Actuarial Justice and the Modern State*", in Bruinsma, Gerben, Elffers, Henk, et al. [eds.] *From Punishment, Places and Perpetrators: Developments in Criminology and Criminal Justice Research*, Willan Publishing Addressc, 2004, pp. 62-77.
30. Heijder, Alfred (1967), "*The Function of Prison: A Study in Administrative Penology*", *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, Vol. 11, Issue 2.
31. Lopez Rey, Manuel (1965), "*Administrative Penology (England and Wales)*", *The British Journal of Criminology*, Volume 5, Issue 1, January.

